سفر به افغانستان؛ سرزمین رازها- بخش دوم

از حوزه تا امارت

محمد معصومیان
گزارش نویس

نور صبحگاهی، سالن پذیرایی حوزه علمیه رسالت کابل را پر کرده است. سالنی که بخشی از آن را کتابخانه‌ای بزرگ پر از کتاب‌های فقه و اصول به زبان فارسی و عربی تشکیل می دهد و بخش کوچکی هم به لوح‌های تقدیر و سپاس از فرزندان آیت‌الله محمد هاشم صالحی اختصاص داده شده است؛ عالمی که حالا رئیس شورای علمای شیعه افغانستان است و نقش پررنگی در دفاع از حقوق جمعیت شیعه افغانستان در ارتباط با حکومت امارت اسلامی به عهده دارد. مدرسه بی‌آلایش او در کوچه‌ای پر رفت و آمد در کابل با شاگردانی که آرام از حجره‌ای به حجره دیگر می‌روند مکان تحصیل طلاب زن و مرد علوم دینی است.

کابل آرام آرام چشم باز می‌کند و سرمای هوا زیر گرمای مطبوع آفتاب ذوب می‌شود. در راه دکان‌داران کرکره مغازه‌ها را بالا می‌کشند و مردان بارکش سمت شرقی خیابان روی فرغون‌ها می‌نشینند و تن به آفتاب می‌سپارند. من هم دلم می‌خواهد این سرمای استخوان سوزی که از شب پیش به تنم نشسته در کنار آنها از تن بیرون کنم، سرمای صندلی‌های اتومبیل را نمی‌شود تحمل کرد.

جوانی اسلحه بر دوش در حوزه علمیه رسالت را چارطاق باز می‌کند و طلبه‌ها به استقبال می‌آیند. آقا جواد پسر ارشد آیت‌الله با جلیقه‌ای سنتی و عرقچین و لباس سفید ما را از دالانی می‌گذراند و به سالن پذیرایی دعوت می‌کند. اتاق پر نور و سرد است. آیت‌الله با جلیقه پشمی زیر عبا و تسبیحی در دست وارد می‌شود. خوشامد می‌گوید و روی مبل می‌نشیند.

جواد صالحی مقدمه‌ای از تاریخ تشیع معاصر در کشورش ارائه می‌دهد. از روزهایی می‌گوید که در افغانستان شیعه را رافضی می‌نامیدند. از زندگی آنها در شهرهای اطراف تا مهاجرت به شهرهای بزرگ و پذیرش علمای دینی و دولتمردان بسیاری که شیعه هستند. جواد صالحی از مجاهدت دوشادوش برادران اهل تسنن می‌گوید و اخوتی که در این سال‌ها پدیدار شد. بعد از آن بود که با توصیه علما، نخبگان شیعه وارد بدنه حکومت شدند: «در دولت‌های پیشین برادران شیعه جایگاه خاصی داشتند چه در ارتش و چه در بدنه حکومت که این مسأله باعث خودباوری در جامعه ما شد و این دستاورد مهمی است. حاج آقا صالحی بسیار این نکته را در جلسات شورای علما مدنظر قرار داده است که این دستاورد چند ساله حتماً مدنظر باشد.»

آیت‌الله صالحی که آرام به حرف‌ها گوش می‌دهد صحبت‌هایش را با خوشامدی دوباره آغاز می‌کند. خوش صحبت است و لبخند به لب دارد. بزرگترین نگرانی او اوضاع نابسامان اقتصادی مردمی است که بعد از تغییر حکومت بیکار شده‌اند و در سرمای هوا بدون وسایل گرمایشی و بی‌پولی روزگار می‌گذرانند. او از ارتباط و گفت‌وگو با امارت اسلامی برای در امان ماندن شیعیان می‌گوید و از سخنرانی‌هایی که باعث شد مردم کمی از ترس و نگرانی فاصله بگیرند: «طالبان هم آن رویه قدیم را ترک کرده و این بار به شیعه صدمه‌ای وارد نکرد جز کم و بیش در بعضی جاها با اهل تشیع کاری نداشتند.» درخواست او از حکومت جدید حفظ امنیت اهل تشیع است و آزادی در احوال شخصیه در کنار استفاده از آنان در حکومت جدید.

آیت‌الله معتقد است امنیت از پیش بهتر شده و امیدوار است بتواند به‌عنوان نماینده علمای اهل تشیع رابطه‌ای بر اساس احترام با حکومت جدید حفظ کند.

آیت‌الله پس از گفت‌وگو به اتاقی دیگر می‌رود و آقاجواد ما را به دیدن حوزه علمیه زنان که ورودی جداگانه‌ای دارد می‌برد. کلاس‌هایی که بیشتر آن را زنان جوان تشکیل می‌دهند.

به‌سمت وزارت زنان سابق و وزارت امر به معروف و نهی از منکر جدید که می‌رویم، شهر را تماشا می‌کنم که رونق گرفته و رفت و آمد زیاد است. در راه مانند کودکی که تازه سواد خواندن و نوشتن یاد گرفته باشد نام مغازه و فروشگاه‌ها را می‌خوانم، دکان‌هایی که اسم‌های انگلیسی را بومی‌سازی کرده‌اند. به بافت شهر نگاه می‌کنم که برای من یادآور ایران دهه ۶۰ است؛ مغازه‌هایی با ورودی‌های گشاده که تا ته مغازه را می‌توان در یک نگاه دید.

ورودی وزارت امر به معروف و نهی از منکر با در بزرگ کشویی بیشتر شبیه ورودی زندان است. سربازان با اسلحه جلوی در قدم‌رو می‌روند. برای ورود بازرسی بدنی می‌شوم. بعد از گذشتن از دالان وارد فضای داخلی که پر از ساختمان و درخت است می‌شوم. چند ساختمان را دور می‌زنیم تا به ورودی تنگ ساختمانی دیگر می‌رسیم. بعد از پشت سرگذاشتن پله وارد دالانی تاریک روشن می‌شویم که نور اندکی از پنجره‌های کوچک یک سمت وارد می‌شود و سمت دیگر اتاق‌هایی است دربسته؛ اینجا بیشتر شبیه هتلی قدیمی است تا یکی از کلیدی‌ترین وزارتخانه‌های امارت اسلامی. اتاق عاکف مهاجر سخنگوی وزارتخانه در انتهای دالان است. منشی که در اتاقی کوچک نشسته از همان پشت کامپیوتر از ما می‌خواهد بنشینیم و منتظر باشیم چون خبرنگاران یک تلویزیون خصوصی مشغول مصاحبه هستند.

> به سمت وزارت زنان سابق و وزارت امر به معروف و نهی از منکر جدید که می‌رویم، شهر را تماشا می‌کنم که رونق گرفته و رفت و آمد زیاد است. در راه مانند کودکی که تازه سواد خواندن و نوشتن یاد گرفته باشد نام مغازه و فروشگاه‌ها را می‌خوانم، دکان‌هایی که اسم‌های انگلیسی را بومی‌سازی کرده‌اند. به بافت شهر نگاه می‌کنم که برای من یادآور ایران دهه ۶۰ است؛ مغازه‌هایی با ورودی‌های گشاده که تا ته مغازه را می‌توان در یک نگاه دید

علیرضا صوت اکبر/ ایران

حوزه علمیه رسالت کابل

عاکف با چشمانی هوشیار خوشامد می‌گوید. در اتاق کوچک و کم نور او جای نشستن ۶ نفر روی صندلی است. مهاجر پیراهن یقه دکمه دار سفید و کاپشنی ساده پوشیده و دستاری مشکی بر سر دارد و عینکی که او را جدی‌تر نشان می‌دهد. جوانی ۳۲ ساله که فارسی را سخت حرف می‌زند. او از ساختار کلی وزارت می‌گوید که از ۲۰ سال پیش به‌عنوان کمیسیونی در ساختار طالبان به‌وجود آمده بود و از بخش‌های مختلف این ساختار تعریف می‌کند که تنها به امر به معروف و نهی از منکر به مردم منتهی نمی‌شود و قرار بر این است که در ساختار حکومت هم نظارت داشته باشد: «در هر ایالت نظر به جغرافیای آن منطقه افرادی را به‌نام محتسبین داریم که در هر ایالت ۳۵ نفرند، در هر والسوالی ۱۰ نفر. این افراد باید فاضل و عالم باشند و حدیث و تفسیر خوانده باشند. اصول را بشناسند و اصول وعظ و نصحیت را بلد باشند. در کابل ۲۲ حوزه وجود دارد که در هر حوزه ۱۰ نفر گشت می‌زنند و هر جایی که فحشا ببینند مردم را نهی می‌کنند.»

از بین پاسخ‌هایی که مهاجر به سؤالات می‌دهد، می‌توان برداشت کرد هنوز سازوکار دقیقی برای ساختار امربه معروف‌ونهی از منکر وجود ندارد هرچند او با روی باز به سؤالات، جواب‌هایی خوشبینانه می‌دهد. معتقد است: «نظام جهانی به این نتیجه رسیده است که بهترین حکومت برای افغانستان امارت اسلامی است. امریکا در جریان ۲۰ سال فهمید اهداف ما به پایان نمی‌رسد و به این نتیجه رسید امارت با فشار تسلیم نمی‌شود و بالاخره درآخر کار هم راه خروج را انتخاب کرد.»

او از بازگشت زنان به‌صورت جداگانه از مردان به کار می‌گوید و حقوق زنان طبق اصول شریعت را محترم می‌شمارد: «خشونت علیه زنان توسط طالبان پروپاگاندای رسانه است. از ۲۵ سال پیش این اتفاق افتاده است. دین مبارک اسلام حقوق زیادی برای زن قائل است و می‌گوید حقوق زن و مرد برابر است. چیزهایی را که در رسانه می‌بینید تأیید نمی‌کنم. اگر از گذشته عکسی بوده اتفاقی بوده است. دین ما اجازه نمی‌دهد به زنان ظلم کنیم.» از او خداحافظی می‌کنیم و از در وزارتخانه خارج می‌شویم. چند میدان پر ترافیک را پشت سر می‌گذاریم. برای اولین بار از تویوتایی که پر از سرباز امارت است صدای موسیقی می‌شنوم.

ادامه دارد

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۷۹۶

جدول عادی

افقی:

۱-دست از کار کشیدن اعتراضی- فطرت وجوهره
۲-روحانی زرتشتی-جزیره‌ای در کشورمان-رخنه
۳-مددکار-ظرف مرکب-ضایع و مفتضح
۴-انداختن چیزی با دست- عضو دونده- خرگوش- واحد مقاومت برق
۵-پهلوان-چرخک-قرن حافظ!
۶-چوب خمیرصاف کن-پاره و بخش-نوعی رنگ مو
۷-کشور«دمشق»-جمع غنی-توپ چوگان
۸-نبود و نداشتن- شیپور- در مقام تحسین و شادی می‌کشند
۹-گله گوسفندان-چراغدان-پدر سمفونی
۱۰-غصه زیاد خوردن-گونه ورده-لوکس
۱۱-آتش شعله‌دار-بندر«استرالیا»-فلز سانا
۱۲-چانه-ورزش هیجان انگیز-تصدیق عامی-قرارگاه
۱۳- موسیقی نظامی- پسوند نواختن- خوش چهره و خوشگل
۱۴-آسودگی، راحتی-شعله-بخشی از اوستا
۱۵-محل شکار کردن-پادشاه پیشدادی

عمودی:

۱-هافبک تیم ملی فوتبال کشورمان که این روزها بخوبی می‌درخشد-یکی از رؤیاهای دیرینه بشر
۲-کارکنان-عاشق، فریفته-باطل کننده
۳-برائت-یار«گلشاه»-نتیجه کارت قرمز
۴-بالای مجلس-سیاهرگ-بیماری ریوی-چیز
۵-نور اول صبح-پیمان-فتنه جو
۶-مخفف بلکه-نام«دلون»-تونل جاده چالوس
۷-کم مانده آدم شود!-عدد ماه تمام-وگرنه
۸-مشت نمونه آن است!-توانگر، مالدار-لیست
۹-حیله گر-فیلم«انسیه شاه حسینی»-زندگی کن!
۱۰- بی همنشین بودن- شهری در «عربستان»- کیف فرنگی
۱۱-خاک عهد عتیق-دختر خوش خبر!-دارای یک اسم
۱۲- حشره پرکار- عید ویتنام- ستاره دنباله‌دار- زمین آماده کشت
۱۳-برادر خشایارشاه- قید شک و تردید- زیبارو
۱۴- سخن بیهوده- درختی شبیه درخت انار- سقف یا گنبد گچ بری شده
۱۵-سلسله ایرانی-وسیله آرایش خانم‌ها

جدول ویژه

افقی:

۱- تنها سنگ معدن کروم- کتاب «آلفرد دوموسه»
۲-هنگام- آهو- گروهی از تومورهای یاخته‌های خونی
۳-پول کم ارزش قدیمی-سوراخ گوش-نوعی پرتقال
۴-مقابل«تند»-ضربه وارد کرد-لزوم امری-عدل
۵-حرف تمسخر-هنگام عصر-پله و رتبه
۶-گلی رنگارنگ-ماهی خوراکی-فوت و فن
۷-پس روی و عقب رفتن-اسطوره علم یونان-علنی
۸- فیلمی با بازی «علی مصفا»- کشور «کوالالامپور»- لوله‌هایی که شیره خام را از ریشه به برگ‌ها می‌رساند
۹-نام بتی-مجسمه مدل-ملک حبشی
۱۰-همراه غم!-شهر«آلاله سرخ»-مخفیانه خودمانی
۱۱-بود-نام دخترانه-تعجب بانو
۱۲- خوشمزه- صحرایی در «مصر»- رنجوری- نی توخالی
۱۳-واحد شمارش صابون-چرم براق- خارپشت
۱۴-شهری در«زیمبابوه»-ماهی فروش-مربع بوکس
۱۵-سرمربی تیم ملی«آلمان»

عمودی:

۱-ای کاش-اثر باستانی مشگین شهر
۲- آهن جوهردار- چوب سوزاندنی- از شهرهای «ژاپن»
۳- آگاه- خانه جمع و جور!- در به در
۴- فهرست غذا- دربندان- سرسختی و پافشاری- ماهوت پاک کن
۵-الهه آتش-موشی-کارگاه جولاهی
۶-مضمون-فاصله بعید-کم ارتفاع‌ترین کشور جهان
۷- خاک سفالگری- یکی از رشته‌های تحصیلی- نوه اردشیر بابکان
۸-موفق-بانک کودکان!-ملیح
۹- فضای غشایی بین استخوان‌های جمجمه نوزاد- بانشاط-حرف عطف
۱۰-مستبد-سلسله کریم خان-پایین چیزی
۱۱-پهلوان-فارسی آنلاین-دوره‌ها
۱۲- خواهر و برادر همخون- از غلات- ظرفی در آشپزخانه-یقه آهارزده
۱۳-خودپسندی و تکبر-بسرعت-خبر خوش
۱۴- اتحادیه فوتبال اروپا- بخش پایین صورت- بندر اروپایی
۱۵- اثر «دن براون»- تالابی قدیمی در «آق قلا»

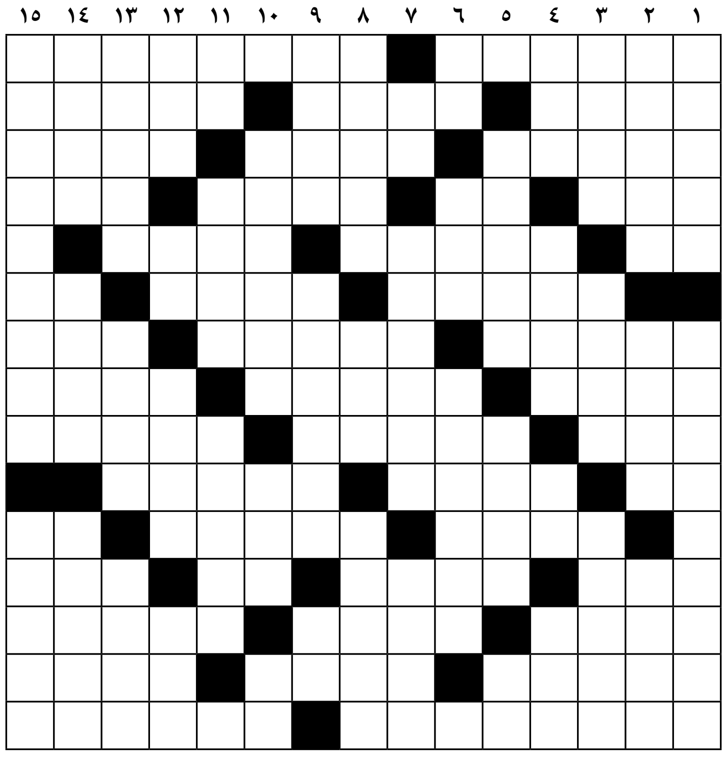

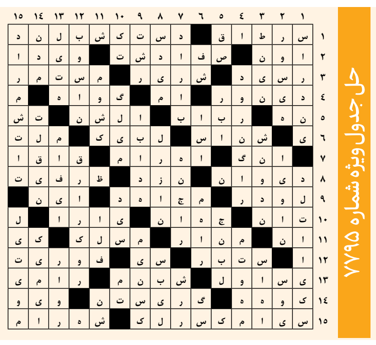
حل جدول ویژه شماره ۷۷۹۵

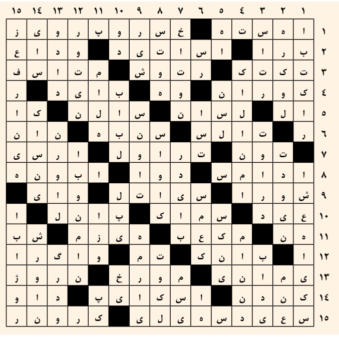
حل جدول عادی شماره ۷۷۹۵

جـــدول سـودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۸۲۷

آسان

	۵			۷	۹		۸	
					۳			۹
۷	۴	۹					۱	
۱					۷	۲	۴	
	۹	۴	۸		۵	۱	۳	
	۷	۸	۳					۵
	۸					۶	۹	۱
۴			۹					
	۲		۵	۶			۷	

متوسط

۱			۳			۵		۷
		۷				۳	۶	
	۹		۶		۵	۱		
		۸		۶				
۹			۴		۱			۶
				۵		۹		
		۴	۷		۸		۹	
	۸	۹				۷		
۳		۶			۲			۸

سخت

		۱	۷	۵				
		۵	۲				۳	
۳					۹			۷
		۷			۶			۸
۵	۴						۱	۲
۸			۳			۷		
۷			۴					۵
	۹				۲	۱		
				۳	۷	۲		

خیلی سخت

	۵		۳				۱	
۱					۶			۲
				۹		۳		
		۹	۶			۸		۵
	۸						۶	
۵		۱			۳	۹		
		۷		۳				
۶			۱					۴
	۱				۹		۵	

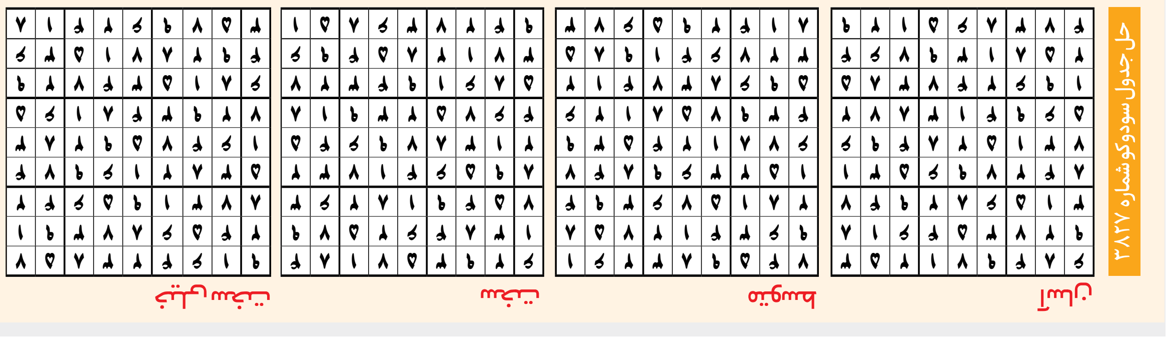
حل جدول سودوکو شماره ۳۸۲۶